

ارائه شده توسط

# لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و  
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn\_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

## Advance1

### Unit5

#### When Is a Room Not A Room?

چه زمانی یک اتاق واقعا یک اتاق نیست؟

A There was a bit of a **fuss** at a **Tate Britain exhibition** of modern art a few years ago. A woman was hurrying through the large room that housed an **intriguing** work entitled Lights Going On and off in a Gallery, in which, yes, lights went on and off in a gallery. Suddenly the woman's necklace broke and the **beads** spilled over the floor. As we **bent down** to pick them up, one man said, "Perhaps this is part of the **installation**." Another replied, "Surely that would make it performance art rather than an installation." "Or a happening," said a third.

چند سال پیش در نمایشگاه هنر مدرن تیت بریتانیا کمی جنجال به پا شد. زنی با عجله از اتاق بزرگی عبور می کرد که در آن اثری جذاب به نام «چراغ‌هایی که در یک گالری روشن و خاموش می شوند» قرار داشت، که در آن، بله، چراغ‌ها واقعا در یک گالری خاموش و روشن می شدند. ناگهان گردنبند زن شکست و مهره ها روی زمین ریختند. در حالی که خم شدیم تا آنها را برداریم، مردی گفت: "شاید این بخشی از چیدمان باشد." دیگری پاسخ داد: «مطمئناً آن وقت می شد هنر نمایشی به جای اینکه چیدمان باشد». سومی گفت: "شاید هم یک اتفاق است."

These are confusing times for the visual arts audience, which is growing rapidly. More and more of London's gallery space are being **devoted** to installations, so what we need is the answer to three simple questions. What is installation art? Why has it become so **ubiquitous**? And why is it so irritating? First question first. What are installations? "Installations," answers the Thames and Hudson Dictionary of Art and Artists with **misplaced** self-confidence, "only exist as long as they are installed." Thanks for that.

این روزها برای مخاطبان هنرهای تجسمی که به سرعت در حال رشد است، گیج کننده است. بیشتر و بیشتر از فضای گالری لندن به تاسیسات اختصاص داده می شود، بنابراین آنچه ما نیاز داریم پاسخ به سه سوال ساده است. هنر چیدمان چیست؟ چرا اینقدر فراگیر شده است؟ و چرا اینقدر زننده است؟ اول از همه سوال اول. هنر چیدمان چیست؟ دیکشنری هنر و هنرمندان تیمز و هادسون با اعتماد به نفس بی جا پاسخ می دهد: «چیدمان ها فقط تا زمانی وجود دارند که نصب شده باشند (سرهم شده باشند)». تشکر برای این!

The dictionary continues more **promisingly**: installations are "multi-media, **multi-dimensional**, and **multi-form** works which are created temporarily for a particular space or site either outdoors or indoors, in a museum or gallery." As a first **stab at a definition**, this isn't bad. It rules out paintings, sculptures, **frescoes**, and other intuitively non-installational artworks. It also says that anything can be an installation so long as it has art status conferred on it, so the flashing fluorescent tube in your kitchen is not art because it hasn't got the **nod** from the gallery.

فرهنگ لغت، امیدوار کننده تر ادامه می دهد: چیدمان ها «آثار چند رسانه‌ای، چند بعدی و چند شکلی

هستند که به طور موقت برای یک فضا یا سایت خاص در فضای باز یا داخل ساختمان، در موزه یا گالری ایجاد می‌شوند». به عنوان اولین تلاش برای یک تعریف، این بد نیست. نقاشی، مجسمه، نقاشی‌های آب رنگ روی کچ و دیگر آثار هنری غیرنصبی را رد می‌کند. همچنین می‌گوید که هر چیزی می‌تواند یک چیدمان باشد تا زمانی که وضعیت هنری به آن اعطا شده باشد، بنابراین لوله فلورسنت چشمک زن در آشپزخانه شما هنر نیست زیرا از گالری تاییدیه نگرفته است.

The only problem is that this definition is incomplete. In some cases, installations have been bought and moved out of the gallery for which they were intended and re-installed in a different **context**. Also, unlike looking at paintings or sculptures, you often need to move through or around installations to appreciate the full **impact** of the work. What this suggests is that we are barking up the wrong tree by trying to define installations.

تنها مشکل این است که این تعریف ناقص است. در برخی موارد، چیدمان‌ها خریداری شده و از گالری که برای آن در نظر گرفته شده بود، خارج شده و مجدداً در زمینه دیگری نصب شده‌اند. همچنین، برخلاف تماشای نقاشی‌ها یا مجسمه‌ها، شما اغلب نیاز دارید که در میان یا اطراف تاسیسات حرکت کنید تا تاثیر کامل کار را درک کنید. چیزی که این نشان می‌دهد این است که ما با تلاش برای تعریف چیدمان، این کار از ریشه غلط است.

They do not all share a set of essential characteristics. Some will demand audience participation, some will be **site-specific**, some will be **conceptual** jokes involving only a light bulb. This brings us to the second question: why are there so many of them around at the moment? There have been installations since Marcel Duchamp put a toilet in a New York gallery in 1917 and called it art.

همه آنها دارای مجموعه ای از ویژگی های اساسی نیستند. برخی خواستار مشارکت مخاطبان هستند، برخی مختص محل هستند، برخی لطیفه های مفهومی هستند که فقط شامل یک لامپ است. این ما را به سؤال دوم می رساند: چرا در حال حاضر تعداد زیادی از آنها در اطراف هستند؟ از زمانی که مارسل دوشان توالتی را در گالری نیویورک در سال ۱۹۱۷ گذاشت و آن را هنر نامید، چیدمانها وجود داشته است.

This was the most **resonant** gesture in twentieth-century art, **discrediting** notions of taste, skill, and **craftsmanship**, and suggesting that everyone could be an artist But why has the number of installations been going up so quickly? American critic Hal Foster thinks he knows why installations are everywhere in modern art. He **reckons** that the key transformation in Western art since the 1960s has been a **shift** from what he calls a "**vertical**" conception to a "**horizontal**" one. Before then, painters were interested in painting, exploring their medium to limits. They were vertical.

این پرتین ترین حرکت در هنر قرن بیستم بود، مفاهیم ذوق هنری، مهارت و استاد کاری را بی اعتبار کرد و نشان داد که همه می توانند هنرمند باشند، اما چرا تعداد چیدمانها به این سرعت بالا رفته است؟ هال فاستر، منتقد آمریکایی فکر می کند که می داند چرا چیدمانها همه جا در هنر مدرن وجود دارند. او بر این باور است که دگرگونی کلیدی در هنر غرب از دهه ۱۹۶۰ تغییری از آنچه او مفهوم «درک عمودی» می خواند به مفهومی «افقی» بوده است. قبل از آن زمان، نقاشان به نقاشی علاقه مند بودند و محیط خود را تا حد امکان بررسی می کردند. عمودی بودند.

Artists are now less interested in pushing a form such as painting or sculpture as

far as it will go, and more in using their work as a terrain on which to **evoke** feelings or **provoke** reactions. True, photography, painting, or sculpture can do the same, but installations have proved most **fruitful-perhaps** because with installations there is less pressure to its conform to the demands of a formal tradition and the artist can more easily explore what concerns them.

هنرمندان در حال حاضر کمتر علاقه‌ای به پیش بردن شکل هنری ای مانند نقاشی یا مجسمه‌سازی دارند و بیشتر به استفاده از آثار خود به عنوان زمینی برای برانگیختن احساسات یا برانگیختن واکنش‌ها علاقه دارند. درست است، عکاسی، نقاشی یا مجسمه‌سازی می‌توانند همین کار را انجام دهند، اما چیدمان‌ها بسیار پرثمر بوده‌اند - شاید به این دلیل که در مورد چیدمان‌ها فشار کمتری برای انطباق آن با خواسته‌های یک سنت رسمی وجود دارد و هنرمند می‌تواند راحت‌تر آنچه را که مربوط به آنهاست کشف کند.

Why are installations so irritating, then? Perhaps because in the many cases when **craftsmanship** is removed, art seems like the emperor's new clothes. Perhaps also because installation artists are frequently so **bound up** with the intellectual history of art and its various "**isms**" that they forget that those who are not educated in this neither care nor understand. But, ultimately, being irritating need not be a bad thing for a work of art since at least it **compels** engagement from the viewer.

پس چرا چیدمان‌ها اینقدر آزاردهنده هستند؟ شاید به این دلیل که در بسیاری از موارد که استادکاری حذف می‌شود، هنر شبیه لباس جدید امپراتور به نظر می‌رسد. شاید هم به این دلیل که هنرمندان چیدمان اغلب چنان با تاریخ فکری هنر و «گرایش‌ها» مختلف آن گره خورده‌اند که فراموش می‌کنند کسانی که در این زمینه آموزش ندیده‌اند، نه اهمیت می‌دهند و نه درک می‌کنند.

اما در نهایت، زنده بودن نباید برای یک اثر هنری چیز بدی باشد، زیرا حداقل بیننده را وادار به درگیری می‌کند. چراغ‌هایی که خاموش و روشن می‌شوندِ مارتین کرید را در نظر بگیرید.

Take Martin Creed's Lights Going On and Off again. "My work," says Martin Creed. "Is about fifty percent what I make of it, and fifty percent what people make of it. Meanings are made in people's heads-I can't control them." Another example is Double Bind, Juan Muñoz's huge work at the Tate Modern gallery in London. A false **mezzanine** floor in the massive main exhibition hall is full of holes, some real, and some trompe l'oeil.

مارتین کرید می‌گوید: «کار من. حدود پنجاه درصد چیزی است که من از آن می‌سازم (تلقی می‌کنم)، و پنجاه درصد آن چیزی است که مردم از آن می‌سازند. معانی در سر مردم ساخته می‌شود - من نمی‌توانم آنها را کنترل کنم.» نمونه دیگر بن بست دوسویه، اثر عظیم خوان مونوز در گالری تیت مدرن در لندن است. یک نیم طبقه کاذب در سالن اصلی بزرگ نمایشگاه پر از سوراخ است، برخی واقعی و برخی چشم فریب.

A pair of lifts chillingly lit go up and down, heading nowhere. To get the full impact, and to go beyond **mere illusionism**, you need to go downstairs and look up through the holes. There are gray men living in rooms between the **floorboards**, installations within the installation. I don't necessarily understand or like all installation art, but I was moved by this. It's creepy and beautiful and strange, but ultimately you, the **spectator**, need to make an effort to get something out of it.

یک جفت آسانسور با نور پردازی ترسناک و ناراحت کننده بالا و پایین رفته و به جایی نمی‌روند.

برای درک کامل و فراتر از توهم گرایی، باید به طبقه پایین بروید و از سوراخ ها به بالا نگاه کنید. مردان خاکستری در اتاق های بین تخته های کف، چیدمان هایی داخل چیدمان زندگی می کنند. من لزوماً تمام هنرهای چیدمان را نمی فهمم یا دوست ندارم، اما تحت تأثیر این موضوع قرار گرفتم. ترسناک و زیبا و عجیب است، اما در نهایت شما، تماشاگر، باید تلاش کنید تا مفهومی از آن بیرون بیاورید.



**New word:** English explanation / معنی فارسی

Fuss: excitement, confusion/ اشوب، سر و صدا، تلاش

Tate: a person who is professionally engaged in the analysis and interpretation of works of art.

Exhibition: an exhibition is a collection of pictures or other objects shown in a public place/ نمایشگاه ( گالری)

Intriguing: arousing one's curiosity or interest; fascinating/ جالب و جذاب

Bead: small object with a hole in the center / مهره، دانه تسبیح

Bent down: To bend one's legs while upright to get to a lower position/ خم شدن

Installation: process of installing, putting in place; something which has been put in place, something installed/ برپاسازی، کارگذاری

Devoted: faithful, dedicated/ فداکار، فدایی

Ubiquitous: present everywhere/ فراگیر

Misplaced: placed incorrectly/ بی جهت، بی خود، بی مورد

Promisingly: encouragingly, reassuringly, hopefully/ دارای آینده روشن، امیدبخش

Multi-dimensional: having many dimensions, of many measurements/ چند وجهی،

چند پهلو، چند بعدی

Multi-form: having many forms, of multiple shapes/ چند شکلی، بسیار شکل

Stab: a thrust with a knife or other pointed weapon/ an attempt to do

(something)/ ضرب، سخمه، زخم چاقو، ضربت

Definition: explanation, meaning/ تعریف، تعیین

Frescoes: a painting done rapidly in watercolour on wet plaster on a wall or ceiling, so that the colours penetrate the plaster and become fixed as it dries/

نقاشی های دیواری

Nod: moving the head up and down/ سر تکان دادن، سر بعلامت توافق، سر تکان دادن

Context: paragraphs surrounding a word or sentence; overall situation, background/ زمینه، مفاد، متن

Impact: influence, effect/ اثر شدید، زیر فشار قرار دادن

Site-specific: Site-specific art is artwork created to exist in a certain place. Typically, the artist takes the location into account while planning and creating the artwork/ اثر هنری که خالق آن در زمان خلق اثر موقعیت مکانی را در نظر گرفته است

Conceptual: of an idea or concept; pertaining to the forming of a concept or idea/conceptual means related to ideas and concepts formed in the mind; a formal word/ وابسته به اندیش زایی، ذهنی، بینشی، مفهومی

Resonant: echoing, reverberating; causing echoes, causing reverberation/resonant sounds are deep and strong/ تشدید شده، طنین دار

Discrediting: disbelief, doubt; disrepute, loss of a good reputation/ بد نامی، بی اعتباری، خوار کردن

Craftsmanship: skillfulness, artistry/ صنایع دستی، مهارت، هنرهای دستی

Reckon: calculate, compute/ روی چیزی حساب کردن، گمان کردن

Shift from: move or cause to move from one place to another, especially over a small distance.

Vertical: upright line; upright position/ عمودی، واقع در نوک

Horizontal: something which is parallel to level ground/ افقی یا معمولاً به خط صاف و

تخت

Evoke: if something evokes an emotion, memory, or response, it causes it to be recalled or expressed/ تداعی کردن (خاطره، تصاویر ذهنی و غیره)

Provoke: if you provoke someone, you deliberately annoy them and try to make them behave in an aggressive way/ تحریک کردن، خشمگین کردن

Fruitful: productive, prolific; fertile/ پربرکت، پرمحصول

Craftsmanship: craftsmanship is the skill of making beautiful things with your

hands/ هنرهای دستی

Bound up: closely involved or associated/ وابسته بودن به، بستگی داشتن به

Isms: An ISMS (information security management system) provides a systematic approach for managing an organisation's information security. It's a centrally managed framework that enables you to manage, monitor, review and improve your information security practices in one place.

Compel: if something compels you to act or behave in a particular way, it forces you to do it/ مجبور کردن، وادار کردن

Mere: only, just; merely; not more than/ فقط، تنها

Illusionism: belief that the physical world is a product of the imagination/ وهم

گرایی، حقه بازی، نقاشی از مناظر خیالی

Floorboards: board in a floor; bottom section of a car/ پارکت

Mezzanine: low or partial story that is just above the ground floor/ نیم اشکوب

ناظر، تماشاگر، بیننده / Spectator: observer, one who watches; member of an audience

@LingoLearn